



۲۰۱۹/۱۲/۱۰



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت چهل و هشتم



آن گوهر ناب و خوش بیان رفت
طاقت ز کفم، تاب و توان رفت

آن یار قشنگ و مهربان رفت
در ماتم و سوک و فرقت تو



درنگی بر اوضاع سیاسی - اجتماعی

نوعیت ولسوالی های که از خود در مقابل شورشیان مقاومت نشان می دهند و ولسوالی های قابل معامله:
ولسوالی های مقاوم:

«هنگامی که شوروی منحل شد، دولت افغانستان نیز به عین سرنوشت دچار گردید، به عوض به وجود آمدن یک جمهوری ملی، به شبکه های اقتدار بی حد مسلح تبدیل گردید». (B. Rubin, 2002 : 264)

«به صورت عمومی، سقوط دولت یک عملیه شکل گیری تأسیسات منطقوی را در محلاتی که قطعات پراکنده قومی اجازه بدهد، همراهی می کند. با این همه، خود این پروسس منشاء قوم گرایی تدریجی در درگیری می باشد». (G. Dorronsorro)

دینامیک های درگیری محلی توسط عبور درگیری های گروه های خورد به ائتلافات بسیار وسیع که به دور یک بنیاد قومی جمع گردیده اند، و دارای ارتباطات در کابل می باشند، و نیروی های بزرگ رزمی و سیاسی را به دور چهره های اقتدار محلی از یک جانب، و همچنین آزادی عمل اقتصادی و سیاسی ولایات که روز به روز از اقتدار دولت مرکزی خارج می شود، می سازند.

این پدیده بالای ساختار های اقتدار محلات، مخصوصاً در داخل احزاب مقاومت علیه شوروی ها که خود را به ساختار های سیاسی - نظامی (تنظیمی) منظم ساختند. ساختار های سیاسی افغان توسط عملیه پراکنده نیروی جنگی و سیاسی قوت های محلی آشکار و برای زوال و انحطاط تدریجی دولت ایجاد شده اند.

این اخیرالذکر ها اکثراً از قومندان های مربوط به یکی از احزاب هفتگانه می باشند، که در هنگام جنگ، سرمایه زیاد یا از احزاب مربوطه شان و یا از تجارت های فراسرحدی اندوخته و می کوشند تا بالای مناطق خود مختار سلطه گری نمایند. بر علاوه با حضور شان در مناطق فراسرحدی با گرفتن تکس از امتعه صنعتی قاچاقی و مواد غیر قانونی (اسلحه و مواد مخدر) استفاده می نمایند. به صورت عمومی قاچاق و اتصال به ولایات سرحدی همراه با سرازیر شدن نیرو های خارجی که منشاء تجمع سرمایه در ولایات می گردد و دارای یک سرحد بین المللی با پنج کشور همجوار افغانستان می باشد که از این منابع و غنا، زیادهترین قومندان های جهادی برای وسعت دادن اقتدار شان بالای قلمرو وسیع تر استفاده می نمایند. در بعضی حالات موفق به مستقر ساختن یک انحصار واقعی می گردند.

نمونه بسیار بارز و گویای آن اسمعیل است که از یک قدرت خاص و زورمند در ولایت ثروت مند و غنی هرات برخوردار می باشد، وی دارای دو رقیب عمده می باشد: یکی مربوط به حزب اسلامی به نام امان الله نیکزاد بود، که اسمعیل خان وی را مجبور به عقب نشینی در پایگاه وی در منطقه زیرکوه در ولسوالی شیندند در منطقه محصور شده که پشتون ها در آن جا زندگی می کنند، نمود. بهره برداری از خصومت ها و تضاد های قومی یک وسیله بسیار مهم برای حفظ اقتدار به شمار می رود، مخصوصاً در اوضاع و احوالی که پشتون ها در یک منطقه فقیر سکونت داشته باشند. مخالف دیگر او که یک قومندان جهادی از اهل تشیع بود، وی نیز به عین سرنوشت دچار گردید.

در شمال کشور نیز دو سلطه گر و زورمند غیر قابل کنترل وجود دارد: یکی آن عبدالرشید دوستم در ولایت شبرغان که مرکز و قلب نقاط عبوری فراسرحدی ترمز می باشد، که دارای عاید سرشار است. و دیگری عطا محمد قومندان جهادی حزب جمعیت در ولایت بلخ، و خودش نیز اصیل همین ولایت می باشد، که وی از نقاط عبور و مرور اندخوی مستفید می گردد. افراد و قومندان های این دو فرد به صورت دوامدار در زد و خورد برای کنترل سرک ها مشغول هستند. علاوه بر این حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که از جمله اقلیت های پشتون در شمال کشور بوده و در نقاط مختلف، مخصوصاً در ساحات زراعتی در شمال مستقر می باشد و در نا آرامی و بی ثباتی منطقه رول مهم را بازی می کنند. در شمال کشور شورای نظر مسعود که به حزب جمعیت ربانی ارتباط دارد نیز یک اقتدار محلی از طریق دره پنجشیر بود، لکن توسط نقطه فراسرحدی تقویت نمی شد. برعکس از شروع جهاد، مسعود از استخراج منابع معدنی کشور مستفید گردیده و توانست یک سرمایه غیر قابل تصور و فوق العاده از برکت استخراج معادن زمره، لاجورد و فیروزه کشور به دست آورد.

نقاط عبوری در مناطق پشتون ها: سه نقطه عبوری بسیار مهم و اساسی در سرحدات شرقی عبارتند از: نقطه عبوری باجور در شمال - شرق و دو نقطه دیگر تورخم و لندي کوتل. (این نقاط عبوری یک رول مهم در عملیه تجمع سرمایه بازی می کند، که بالای آن دوباره خواهیم آمد). نقطه عبوری دیگر پاره چنار در جنوب - شرق می باشد.

در جنوب کشور سپین بولدک یک نقطه عبوری بسیار مهم سرمایه است. موجودیت تأسیسات اجتماعی که به پارچه ها تقسیم می باشند باعث پیچیدگی و دشواری یک مدیریت سیاسی واحد می گردد.

جلال الدین حقانی مربوط به حزب اسلامی مولوی یونس خالص نمایانگر یک نمونه اصلی یک تیکه دار قبایلی جهادی می باشد که موفق به مستحکم ساختن یک ساحه قدرت بالای مجموعه مناطق جنوب - شرق گردیده است.

در این جا لازم است یاد آور شویم که در مناطق قبایلی تحت مدیریت پاکستانی ها در تمام دوره جهاد علیه شوروی، در پدیدار شدن لیدرشف به وسعت و گستردگی جلال الدین حقانی رول بسیار مهم را بازی نمودند، لکن وی دارای انحصار مطلق نمی باشد:

جلال الدین حقانی دارای یک رقیب عمده به نام حاجی منصور، سابق دست راست مولوی محمد نبی محمدی، می باشد که دارای پایگاه های مهم در ولسوالی زرمات ولایت پکتیا و در غزنی می باشد.

دیگر لیدرشف های که خود را در ولایت ننگرهار تحمیل نموده اند و دارای تشکیلات خاص و یک شورا می باشند که مربوط به برادران ارسلان است. پارچه پارچه شدن اجتماعی در این ولایت منشاء خود را از موجودیت قومندان هایی می گیرد که بر سیاست ارسلان ها اعتراض دارند. با این همه سرمایه فوق العاده ولایت برای شان اجازه داد تا یک توافق نظر به دست بیاورند و یکی از دلایل مهم آرامی نسبی در این ولایت می باشد. از طرف دیگر همین شورای ننگرهار بود که برای اسامه بن لادن پناهگاه داد، زمانیکه از سودان اخراج گردید.

اسامه بن لادن سبب ساختن پایگاه بزرگ و مهم توره بوره شد که در ولسوالی خوگیانی موقعیت دارد و قبیله به عین نام که از نقطه نظر سیاسی از حمایت حاجی قدیر و حزب اسلامی خالص اصیل همین ولسوالی و همچنان حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که قومندان اساسی آن در شرق به حاجی شمالی و وی نیز اصیل همین ولسوالی می باشد، مستفید می گردد.

این ولایت دارای سرمایه زیاد است که یک قسمت بزرگ آن از تولید تریاک به دست می آید و اولین لابراتوار تقطیر شکل دادن تریاک در این ولایت تأسیس گردید.

در بلندی های ولایت نورستان نیز نقاط عبوری که دارای تأسیسات سیاسی خاص می باشد، وجود دارد.



ادامه دارد